

سوم اپریل ۲۰۱۴

ناتور رحمانی

خانه ای ما !!



خانه ای ما آنجا بود
در شیب یک تپه ای سبز
کنار جویبار زلال
خانه ای ما میعادگاه درخت و پرنده
گذرگاه هوای روحپرور
کوهستانها بود
وقتی مسیر گل‌های خود روی
آنطرف باغ را میگرفتی

پرنده ای نگاهت
از پیچ دره تا بلند ترین شاخه ها
تا مرز سایه روشنی های جنگل
پرواز میکرد
خانه ای ما سر راه جانبازان قرار داشت
آنهای که سراسر کوهستانها را
دویده بودند
آنهای که سرسفره خانه ای ما
نان و دوغ خانگی را
صمیمانه به هم تعارف میکردند
آنهای که پیام آزادی را
دره به دره می بردند
خانه ای ما نماد از شهامت ، شرافت
و محبت بود

و یگروز
دگر خانه ای ما آنجا نبود
تو گویی هیچ وجود نداشت
فقط توده ای خاک آلوده
با باروت بود

و گودال های وهمناک
و پارچه های منفجر شده بمب
در باغچه

و ما شنیدیم
ما دیدیم
که آن جانبازان
سراسر خاک را
برای روز آزادی
لاله کاشتند ...

(ناتور)